

رابت وانوی، پیامبران بزرگ، درس ۳۰ - حزقیال شماره ۶

راه‌ها و مشکلات تفسیر حزقیال ۴۰-۴۸

پیشنهاداتی در مورد تفسیر حزقیال ۴۰-۴۸. ۲.

بیابید به بخش دوم از طرح کلی‌مان برویم: «پیشنهاداتی در مورد تفسیر فصل‌های ۴۰ تا ۴۸ حزقیال». ما ایده‌ای از تصویر کلی این نه فصل به دست آورده‌ایم. سوال این است: همه چیز در مورد چیست؟ شما تصویری پیوسته از یک شهر رویایی و یک معبد رویایی و این موقعیت رویایی دارید که در آن رودخانه‌ای از معبد جاری می‌شود که برای بسیاری شفا و غذا می‌آورد، اما نه به طور کامل، زیرا باتلاق‌ها هنوز شور هستند. سپس تصویری از تقسیم زمین بین مردم وجود دارد. اکنون، فکر می‌کنم واضح است که خداوند به حزقیال و مردم زمان او تصویری از آینده می‌دهد. نه لزوماً یک تصویر واضح، نه لزوماً چیزی که به راحتی قابل درک باشد، اما حداقل چیزی. این رویا به عنوان چیزی که به آینده دلگرمی و امید می‌دهد، مهم است. به یاد داشته باشید که آنها کجا هستند؛ آنها در تبعید هستند. اورشلیم نابود شده است. آنها می‌توانند بسیار ناامید و دلسرد باشند، اما با این حال، این تصویر رویایی از کاری است که خداوند قرار است در آینده انجام دهد. بنابراین، امیدی برای آینده وجود دارد.

حال سوال اساسی این است: آیا حزقیال سعی دارد بگوید که شواهد وانوی برای تفسیر تحت‌اللفظی به معنای کاملاً تحت‌اللفظی و فیزیکی، اورشلیم در آینده به این شکل خواهد بود؟ یا اینکه این یک تصویر نمادین است که به زبان نمادین می‌گوید که خدا به کار خود با قومش ادامه خواهد داد، که کار او با قومش تمام نشده است؟ او شکست نخورده است، حتی اگر اسرائیل به اسارت برود. من فکر می‌کنم ابعاد دقیق زیادی که ارائه شده به نفع دیدگاه تحت‌اللفظی است. جزئیات و اشارات خاص بسیار زیادی وجود دارد. ابعاد دقیقی وجود دارد؛ اشاراتی به وظایف لایوان و کاهنان شده است. قربانی‌هایی وجود دارد. به نظر می‌رسد این نوع جزئیات به نفع این است که این چیزی است که قرار است به معنای واقعی کلمه در آینده اتفاق بیفتد. اگر چنین باشد، به نظر می‌رسد تصویری از چیزی است که در هزاره اتفاق می‌افتد، زیرا مطمئناً این چیزی نبود که در بازگشت پس از تبعید تحقق یافته باشد. بازسازی معبد پس از بازگشت از تبعید قطعاً با تصویری که در کتاب حزقیال آمده، مطابقت نداشت.

در حال حاضر این را توضیح نمی‌دهم، اما بعداً به آن برمی‌گردم. این چیزی نیست که واقعاً در بازگشت پس از تبعید تحقق یافته باشد. با این حال، کسی مانند جی. بارتون پین می‌گوید که این یک پیش‌بینی نیست، بلکه یک دستور یا دستورالعمل برای بازگشت از تبعید است و بازگشت از تبعید صرفاً مطابق آنچه قرار بود انجام دهند، عمل نکرد. دیدگاه پین این نیست که این تصویری از آنچه قرار است در هزاره به معنای واقعی کلمه اتفاق بیفتد، بلکه تصویری از چیزی است که باید در بازگشت از تبعید اتفاق

می‌افتاد اما نیفتاد. بعداً به این موضوع برمی‌گردم.

اما اگر این تصویر، تصویری از یک معبد واقعی که در دوره هزاره اتفاق خواهد افتاد نباشد، بلکه تصویری نمادین از چیزهایی باشد که به اسرائیل امید به آینده می‌دهد، فکر نمی‌کنم که این امر آموزه‌های هزاره را رد کند، به این معنا که متون دیگری وجود دارند که کاملاً به وضوح از دوره هزاره و بازگشت اسرائیل به سرزمین خود صحبت می‌کنند. اینکه آیا این متن این کار را می‌کند یا خیر، لزوماً بر آموزه‌های کلی کتاب مقدس در مورد دوره هزاره تأثیر نمی‌گذارد.

فکر می‌کنم می‌توان از تشبیه رشته‌کوه‌های دوردست نیز استفاده کرد. چیزی که حزقیال در اینجا ممکن است به تصویر بکشد، چیزی است که به صورت نمادین، آینده را با هم ترکیب می‌کند، جایی که ممکن است فواصل زمانی بین آنها وجود داشته باشد، اما همه به نوعی در یک تصویر ترکیب شده‌اند. به عبارت دیگر، حزقیال ممکن است چیزی از برکات معنوی را توصیف کند که خداوند قرار است چه در کلیسا، هزاره یا حالت ابدی به ارمغان بیاورد. خداوند قرار است به کار با قوم خود ادامه دهد؛ او قرار است در میان قوم خود ساکن شود و این کار را در کلیسا انجام خواهد داد، او قرار است این کار را در دوره هزاره انجام دهد و این کار را در حالت ابدی انجام خواهد داد. البته، این کار به روش‌های کمی متفاوت خواهد بود، اما همه اینها شاید در این تصویر نمادین و مرکب از کار آینده خداوند با قوم خود گرد هم آمده باشد.

روش تفسیر حزقیال ۴۰-۴۸ ۳

بنابر این به نظر من سه روش کلی برای مشاهده این بخش وجود دارد: می‌توان گفت، اول، این یک تصویر تحت‌اللفظی است که قرار است در دوره هزاره تحقق یابد. این یک احتمال است. احتمال دوم این است که این یک تصویر نمادین از حقیقتی است که خدا با قوم خود از آن دست نکشیده است. او اهداف بزرگی دارد که هنوز در آینده برای آنها محقق خواهد کرد و نشانه‌هایی از آن در اینجا به زبان نمادین دیده می‌شود. بنابراین این دیدگاه نمادین است. رویکرد سوم این است که این تصویری از آینده قوم خداست که جنبه‌های خاصی از آن معنای فیزیکی و تحت‌اللفظی و جنبه‌های خاصی معنای معنوی و نمادین دارد. این به نوعی دو مورد اول را با جنبه‌های خاصی که معنای فیزیکی و تحت‌اللفظی دارند و جنبه‌های خاصی که معنای نمادین دارند ترکیب می‌کند.

حال این سه احتمال وجود دارد. اولین، یعنی تفسیر ترکیبی تحت‌اللفظی و تفسیر ترکیبی نمادین ۱. تفسیر تحت‌اللفظی، به نظر من جزئیات خاص آن را تأیید می‌کند. مشکل دیدگاه تحت‌اللفظی، تصویر

رودخانه است. به نظر می‌رسد رودخانه از دیدگاه نمادین حمایت می‌کند. رودخانه یک ویژگی مهم است، اما به سختی می‌توان آن را در تصویری واقعی از پرستش اسرائیل جای داد. به نظر می‌رسد که بیشتر نمادین است تا یک رودخانه واقعی. به نظر من تفسیر منطقی از رودخانه این است که تصویری نمادین از زندگی است که از قربانگاه می‌آید و از قربانگاه جاری می‌شود. به نظر من، پس خون گاوها و بزها نیست که مرگ مسیح را از پیش ترسیم کرده است. این تأثیری است که از کار مسیح بر روی صلیب جاری می‌شود. آن تأثیر از کوچک شروع شد؛ عمق آن تا مچ پا بود و سپس به روم گسترش یافت و در عرض چند قرن به دین امپراتوری تبدیل شد. بنابراین تأثیر آن افزایش یافت. و شما برگ‌هایی برای شفای ملت‌ها می‌بینید، شاید اثرات مفید آموزه‌های مسیحی. با این حال، باتلاق‌ها هنوز باقی مانده‌اند؛ جهانی نیستند. همه چیز را کاملاً تغییر نمی‌دهد. اما تأثیر گسترده پیام انجیل را نشان می‌دهد.

حالا اگر چنین رویکردی را در مورد رودخانه در پیش بگیرید، بقیه‌اش چه می‌شود. در اینجا به مشکل تمایزگذاری دلخواه برمی‌خورید. چگونه از این امر اجتناب می‌کنید. اگر قرار است بخشی از آن را نمادین و بخشی را تحت‌اللفظی در نظر بگیرید، چگونه تصمیم می‌گیرید کدام را انتخاب کنید؟ مطمئن نیستم که پاسخ‌های نهایی برای این سوال داشته باشم. اما به نظر من رویکردی که شاید بیشترین فایده را داشته باشد، این است که بخشی از آن را تحت‌اللفظی و بخشی را نمادین در نظر بگیریم. همچنین باید همزمان، تحقق را در نظر گرفت، نه فقط در یک دوره، چه در کلیسا، چه در هزاره یا در حالت ابدی، بلکه باید امکان ترکیب این دو را نیز در نظر گرفت. شما این نوع ترکیب را دارید. نکته اصلی که این را در کنار هم نگه می‌دارد این است که خدا قرار است در میان قوم خود به کار خود ادامه دهد.

حال سوالی که قبلاً پرسیده شده است: گاهی اوقات گفته حزقیال ۴۰-۴۸ و پیشاهزاره‌گرایی می‌شود که دیدگاه پیشاهزاره‌ای از بازگشت مسیح که در آن این معبد به معنای واقعی کلمه بازسازی خواهد شد و قربانی‌هایی تقدیم خواهد شد، قطعیت قربانی مسیح را نقض می‌کند. بنابراین ادعا می‌شود که آموزه پیشاهزاره‌ای نمی‌تواند صحیح باشد. اجازه دهید فقط به طور خلاصه در مورد آن نظر بدهم. به نظر من این ایده که قربانی‌ها در دوره هزاره دوباره برقرار خواهند شد، در درجه اول از این متن در حزقیال گرفته شده است. بنابراین، در درجه اول بر این نتیجه استوار است که این متن در حزقیال به معنای واقعی کلمه تصویری از عبادت در دوره هزاره ارائه می‌دهد. من فکر نمی‌کنم که این نتیجه‌گیری ضروری از این بخش از حزقیال باشد. من فکر نمی‌کنم که این جزء ضروری از دیدگاه پیشاهزاره‌ای از بازگشت مسیح باشد. به نظر من، هزاره به وضوح در حزقیال ۳۶ و ۳۷، که ما به آن نگاه کردیم، آموزش داده شده است، جایی که اسرائیل به سرزمین خود باز خواهد گشت، پادشاه بر آنها حکومت خواهد کرد و پناهگاه خود را تأسیس خواهد کرد. اما در آنجا چیزی در مورد احیای پرستش قربانی گفته نشده

است. من فکر نمی‌کنم آموزه‌های هزاره بر حزقیال ۴۰-۴۸ متکی باشد. سوال این است که چگونه حزقیال را برداشت می‌کنید و چگونه می‌توانید آن را در دیدگاه پیشاهزاره‌ای از آخرالزمان قرار دهید؟ ۴۰-۴۸ بنابراین، من فکر نمی‌کنم آموزه‌های هزاره بر این فصل‌ها و اینکه آیا آنها تصویر دقیقی از پرستش قربانی در هزاره ارائه می‌دهند یا خیر، متکی باشد. این ممکن است هیچ ارتباطی با اینکه آیا دیدگاه پیشاهزاره‌ای از بازگشت مسیح دیدگاه درستی است یا خیر، نداشته باشد.

الیسون در مقابل قربانی‌های آینده

حالا به صفحات ۶۰ و ۶۱ استنادات خود نگاه کنید. الیسون در کتاب *حزقیال: مرد و پیامش*

می‌گوید: «برای کسانی که این بخش را به عنوان وحی الهی و نه صرفاً به عنوان برنامه حزقیال برای آینده که به شکل رؤیا بسته شده است، جدی می‌گیرند، قربانی‌ها یک معمای واقعی در تفسیر آن ارائه می‌دهند. قربانی‌ها را نمادین کنید، و معبد نیز نمادین می‌شود. معبد را به معنای واقعی کلمه در نظر بگیرید، و ما باید بپذیریم که قربانی‌های حیوانات در هزاره وجود خواهد داشت. من در رؤیای قربانی در یک معبد نمادین مشکلی ندارم، زیرا این برای حزقیال تضمینی بود که اصول بزرگ رستگاری الهی تا پایان زمان خوب باقی بماند. اما من به شواهد قوی‌تری نیاز دارم تا این رؤیا را بپذیرم - برخلاف تمام شواهد عهد جدید - که قربانی‌های لاویان دوباره معرفی خواهند شد. احتمالاً، همه کسانی که معبد را هزاره می‌دانند و قربانی‌ها را به معنای واقعی کلمه می‌دانند، با این جمله در کتاب مقدس اسکوفیلد موافق خواهند بود که بدون شک این قربانی‌ها یادبود خواهند بود. با نگاه به صلیب به عنوان قربانی‌ها، همانطور که در عهد عتیق یادبودهایی وجود داشت که مشتاقانه منتظر صلیب بودند. در هیچ یک از قربانی‌های حیوانات قدرت از بین بردن گناه را داشتند؟ اگرچه من کاملاً به صداقت آنها واقفم، اما باید از آنها التماس کنم که بدانند کسانی که نمی‌توانند از آنها پیروی کنند، از کتاب مقدس متنفر نیستند. آنها عبرانیان را به این معنی می‌خوانند: لغو کاهنی هارونی تحت قربانی‌ها قطعی و ابدی است. علاوه بر این، آنها نمی‌توانند بفهمند که چرا وقتی نان و شراب نیازهای نمادین تقریباً هزار نسل از مسیحیان را برآورده کرده است، هزاره به تعداد بیشتری نیاز خواهد داشت. پادشاه بازگشته است و نفرین طبیعت برداشته شده است. چرا باید مخلوقات حیوانی هنوز جان خود را فدا کنند؟ واقعیت این است که معتقدان به فوق تقدیرگرایی مستعدند که وحی خدا را اینگونه تقسیم‌بندی کنند، اما نتوانسته‌اند کامل بودن آن را ببینند. مهمتر از همه، او نمی‌تواند درک کند که در حالی که پاسخ انسان به وحی الهی ممکن است فراز و نشیب داشته باشد، خود وحی هرگز به عقب بر نمی‌گردد، بلکه همیشه عمیق‌تر می‌شود.

نه دانش و نه برکتی کمتر از اکنون وجود نخواهد داشت. در واقع، باور این موضوع برای دشوار است که این موضوع جدی گرفته شده باشد - وقتی به من گفته می‌شود که آزادی فعلی ما برای همه برای پرستش برابر، در همه مکان‌ها، با موقعیتی جایگزین خواهد شد که در آن امتیاز انسان برای

پرستش به رابطه جغرافیایی او با اورشلیم زمینی بستگی دارد و انداز‌گیری می‌شود. پیشنهاد هواپیماهای مافوق صوت که زائران را به اورشلیم می‌آورند در حالی که دیگران مراسم عبادت خود را از طریق تلویزیون به اشتراک می‌گذارند، غم‌انگیز است.» من نمی‌دانم چه کسی این پیشنهادها را داده است، اما بدون شک کسی این کار را کرده است. بنابراین الیسون دیدگاهی پیشاهزاره‌ای دارد، اما او کاملاً مخالف این است که این را به عنوان احیای قربانی حیوانات در نظر بگیرد.

جی. بارتون پین، درست زیر نظر الیسون، پنج پیشنهاد برای راه برای تفسیر حزقیال 40-48 نوشته 5 تفسیر ارائه می‌دهد. او می‌گوید: «پنج تفسیر پیشنهادی بر بحث‌های فعلی حاکم است. سخنان پیامبر، یکی، پیش‌بینی برای گذشته بود و آنها به معنای تحت‌اللفظی بودند. موضع تحت‌اللفظی. این صرفاً یک قضاوت اشتباه از جانب حزقیال بود. نقشه‌هایی که *انتظار داشت* اجرا شوند.» بنابراین، دیدگاه اول، یعنی دیدگاه انتقادی، برای گذشته‌ی تحت‌اللفظی پیش‌بینی می‌کند، اما محقق نشده است. این یک دیدگاه انتقادی خواهد بود.

عدد دو حکمی برای گذشته است، به معنای واقعی کلمه، اما اجرا نشده.» این با پیش‌بینی اجرا شده متفاوت است، این یک حکم است. به معنای واقعی کلمه اما اجرا نشده. «یک موضع انجیلی این است که، حکم حزقیال، اگرچه او از بیان آن به عنوان یک پیش‌بینی خودداری می‌کند، اما تأکید پیامبر بر آموزش به بازگشتگان برای نحوه ساخت آن است.» دیدگاه پین این است که این یک دستورالعمل برای نحوه ساخت معبد پس از تبعید در قرن ششم قبل از میلاد است. استخوان‌های خشک را می‌بینید و فصل بازگشت از تبعید بود. این یک حکم است. با این حال، روشی که او از مسئله رودخانه عبور می‌کند ۳۶ این است که او حکم را فصل‌های ۴۰-۴۶، برای قرن ششم قبل از میلاد می‌داند، در حالی که فصل‌های ۴۸ و ۴۶ را که در آن رودخانه و تقسیم زمین وجود دارد، هزاره‌نگر می‌داند. بنابراین او در بخش بین ۴۷ فصل ۴۶ و ۴۷ تقسیم‌بندی می‌کند. برای پین، فصل‌های ۴۷ و ۴۸ هزاره‌نگر هستند. فصل‌های ۴۰ تا ۴۶ احکامی برای کسانی است که از تبعید بازمی‌گردند اما آنها را انجام نمی‌دهند.

دیدگاه سوم، پیش‌بینی زمان حال و به صورت مجازی.» به عبارت دیگر، این پیش‌بینی چیزی است که در حال حاضر در حال وقوع است. بنابراین، این نمادی از کلیسای مسیحی است. او «پیش‌بینی زمان حال» را به عنوان مجازی و غیرهزاره‌ای یا حداقل مطابق با آن موضع عنوان می‌کند. توصیفی. عمداً نمادین از پرستش کلیسای مسیحی، اگرچه این رویکرد به تمثیل‌سازی ساده منجر می‌شود.

چهار، پیش‌بینی‌ای از آینده است، به معنای واقعی کلمه، که آن را در دوره هزاره قرار می‌دهد. «پیش‌بینی‌ای از آینده، به معنای واقعی کلمه، که توسط برخی از پیشاهزاره‌ها مطرح شده است. این با کسانی مرتبط است که به دنبال بازسازی معبد برای ظهور دوم مسیح هستند. اگرچه معبد مسیح در آینده،

در این دیدگاه با حقوق کفاره خون به معنای واقعی کلمه که ساختار حزقیال را در ۴۳:۲۰ مشخص می‌کند، یکی دانسته می‌شود، اما به نظر می‌رسد بیزلی-موری درست می‌گوید وقتی اضافه می‌کند که این دیدگاه توسط عهد جدید به چالش کشیده شده است. کفاره پروردگار ما چنین قربانی‌هایی را برای همیشه باطل کرده است، همانطور که در عبرانیان ۱۰:۱۸ می‌خوانیم

پنجم، یک پیش‌بینی مجازی از آینده، آسمان‌های جدید و زمین جدید. «تصویری از آسمان‌های» جدید و زمین جدید پس از داوری نهایی. او می‌گوید، این یک موضع ناهزاره‌ای است، اما من نمی‌بینم که چرا نمی‌توان آن را به طور مساوی با دیدگاه پیشاهزاره‌ای هماهنگ کرد. من فکر نمی‌کنم که لزوماً ناهزاره‌ای باشد، اگرچه ممکن است اغلب توسط ناهزاره‌ای‌ها مطرح شود. در واقع، جی. اولیور باسول این دیدگاه را دارد: آسمان‌های جدید، زمین جدید نمادین هستند و او پیشاهزاره‌ای است. برخی این را پیش‌بینی آینده می‌دانند، اما همچنان مجازی. آنها آسمان‌های جدید و زمین جدید را پس از داوری نهایی به تصویر می‌کشند تا جایی که حقیقت اساسی آن در عصر جدید تحت اشکال مناسب برای دوره جدید مسیحی تجسم می‌یابد (مکاشفه ۲۱-۵:۲۲). اما سپس مکاشفه ۲۱:۲۲ را دارید که عدم وجود هیچ معبدی در اورشلیم جدید را حفظ می‌کند. با توجه به اعتراضات وارده به سه مورد آخر از پیشنهادات فوق، تفسیر گذشته شایسته ترجیح است. علاوه بر این، خود حزقیال کاملاً واضح بیان کرد: «به آنها خانه، خاندان اسرائیل، معیار و الگو را نشان دهید تا همه فرایض آن را نگه دارند و به آنها عمل کنند» (حزقیال ۴۳: که در مورد آن الیسون فریاد می‌زند: «آیا این می‌تواند به زمان دیگری غیر از زمان پیامبر (۱۱-۱۰) اشاره داشته باشد؟»

رویکرد باسول

یک نقل قول دیگر. به صفحه ۵۸ نقل قول‌های خود از باسول، *الهیات سیستماتیک*، جلد ۲ نگاه کنید. او می‌گوید: «جدا کردن دو نوع مطلب در حزقیال ۴۰-۴۸ دشوار است.» حال در زمینه اینکه این پاراگراف از کجا در کتاب او گرفته شده است، دو نوع مطلب توصیف و تذکر است. «جدا کردن دو نوع مطلب در حزقیال ۴۰-۴۸ دشوار است. فصل ۴۰ به وضوح بخشی از تقسیم‌بندی کمال است؛ فصل قطعاً نصیحتی خطاب به معاصران حزقیال است.» بنابراین می‌بینید، فصل ۴۰ توصیف و ۱۱-۷: ۴۱ فصل ۴۱، نصیحت یا نصیحت خواهد بود. «شاهزاده ۴۱-۴۲ برای خود و برای همه مردم قربانی می‌آورد، اما مسیح نیست. زیرا این با عبرانیان ۷: ۲۷-۲۸ در تضاد است و شاهزاده در فصل‌های ۴۱- و جاهای دیگر این بخش از پیشگویی حزقیال سرزنش می‌شود. بنابراین، من باید با احتیاط بسیار ۴۷ پیشنهاد کنم که بخش‌های بعدی حزقیال ۴۰-۴۸ شرایط آسمان جدید و زمین جدید را پیش‌بینی می‌کنند.» سپس او بخش‌ها را فهرست می‌کند. «به همین ترتیب، پیشنهاد می‌کنم بخش‌های زیر مستقیماً به معاصران

حزقیال خطاب شوند. همانطور که در بالا گفتیم، این طبقه‌بندی مطالب بسیار آزمایشی است. مشکلاتی در رابطه با آن وجود دارد. باید روشن کنم که پیشنهاد من مبنی بر اینکه استدلال آخر الزمانی در حزقیال ۴۰-۴۸ مربوط به آسمان‌های جدید و زمین جدید است، به هیچ وجه برای دیدگاه پیشاهزاره‌ای ضروری ۴۸ نیست. این صرفاً پیشنهادی است که فکر می‌کنم قابل قبول است. من معتقدم که این پیشنهاد با تمام داده‌های «موجود در کتاب مقدس هماهنگ است»

چه پیش‌بینی‌های آخر الزمانی حزقیال ۴۰-۴۸ قرار باشد در هزاره محقق شوند، : مسئله لایوان همانطور که اکثر معلمان کتاب مقدس پیشاهزاره‌ای معتقدند، یا در آسمان‌های جدید و زمین جدید، همانطور که پیشنهاد کردم، در هر دو صورت، پیش‌بینی حزقیال از آینده به عنوان ایجاد یک سیستم قربانی‌های لایوان بسیار بزرگ و باشکوه، توسط بسیاری از دانشجویان کتاب مقدس به عنوان یک مشکل تلقی می‌شود. من دو راه حل ممکن برای این مشکل پیشنهاد می‌کنم، و یا یکی از این موارد کاملاً با تمام داده‌های موجود در حال حاضر سازگار به نظر می‌رسد. اول: شکل عبادت لایوان توسط خداوند به عنوان شکلی که باید برای همیشه رعایت شود، برقرار شد. این موضوع به طور تأکیدی و مکرراً تکرار شده است. با این حال، نویسندگان عهد جدید، با الهام از روح القدس، در آموزش اینکه قانون آیینی در مسیح تحقق یافته است، مشکلی ندارند. این موضوع اصلی رساله عبرانیان است. وقتی خون مسیح را به عنوان کفاره گناهان خود می‌پذیریم و شام خداوند را با ایمان واقعی برگزار می‌کنیم، عید فصح را همانطور که خدا در نظر داشت در زمان ما حفظ شود، نگه می‌داریم. اول قرن‌تیان 5:7: به نظر من، مسیح به عنوان عید فصح ما، کاملاً با درک حزقیال که آسمان‌های جدید و زمین جدید را پیشگویی می‌کند، سازگار است، اما پیشگویی در زمانی که شکل مناسب عبادت، آیین لایوان بود، و او رویای خود را از نظر آن آیین بیان کرده است. این بسیار بزرگ و باشکوه است. به نظر من کاملاً سازگار است که درک کنیم همانطور که عید فصح و قربانی گناه در ... کفاره مسیح نیز چنین است پیش‌بینی‌های حزقیال در مورد جلال معبد با تمام احکام آن که در آسمان‌ها و زمین جدید، از نظر حضور بی‌واسطه مسیح و در سعادت کامل اجتماع مسیح با رستگاران، تحقق خواهد یافت. یوحنا در اورشلیم جدید هیچ معبدی ندید، نه به این دلیل که معبدی وجود نداشت، بلکه به این دلیل که، همانطور که او می‌گوید، خداوند خدای قادر مطلق و بره، معبد هستند دو، از سوی دیگر، آنها با اطمینان معلمان پیشاهزاره‌ای کتاب مقدس که اصرار دارند اشکال «

عبادت توصیف شده در رؤیای حزقیال باید به معنای واقعی کلمه یا در هزاره یا در آسمان‌های جدید و زمین جدید محقق شود، در تضاد هستند. پیشاهزاره‌ای‌ها عموماً توضیح می‌دهند که برقراری مجدد آیین لایوان پس از تکمیل کفاره مسیح بر روی صلیب در کالواری، بیش از جشن کنونی شام خداوند، با این واقعیت که کفاره تکمیل شده است، مغایرت ندارد. کسانی که به برقراری مجدد تحت‌اللفظی سیستم قربانی

که در حزقیال شرح داده شده است، اعتقاد دارند، عموماً موافقتند که اهمیت آن فقط می‌تواند یک یادبود باشد و نمی‌تواند اهمیت قربانی‌هایی را که به آمدن مسیح اشاره داشتند، داشته باشد. در مورد خودم، من به «اولی از این دو تفسیر تمایل دارم، اما هیچ چیز متناقضی در دومی نمی‌بینم».

فکر می‌کنم تا جایی که به نظرم می‌رسد این عنصر قربانی در اینجا نمادین است تا اینکه به معنای واقعی کلمه به عنوان احیای قربانی‌ها در نظر گرفته شود، با باسول هم‌نظر هستم. اما در این مورد متعصب نیستم. باسول می‌گوید: «من به اولی تمایل دارم، اما هیچ تناقضی در دومی نمی‌بینم.» اگر قرار باشد قربانی‌ها قطعاً به معنای یادبود احیا شوند، چیزی از اثربخشی قربانی مسیح کم نمی‌کنند. این یک احتمال است، اما الیسون می‌گوید که وحی به جلو حرکت می‌کند، به عقب بر نمی‌گردد [مثلاً به اشکال عهد عتیق]، و به نظر من این با بقیه کتاب مقدس سازگار است. این یک سوال دشوار است.

اگرچه بین بخش‌هایی را در آنجا می‌بیند که در آنها به معاصران حزقیال اشاره می‌کند، اما به نظر من اکثر پیشاهزاره‌گرهای تدبیرگرا طرفدار یک پیش‌بینی تحت‌اللفظی، یک دوره هزاره آینده و احیای قربانی‌ها به عنوان یادبود هستند. من فکر می‌کنم هر تصویر ترکیبی از آینده شامل عناصری از دوره فعلی خواهد بود و این شامل دوره هزاره و آسمان‌های جدید و زمین جدید می‌شود. با این حال، به نظر می‌رسد اگر قرار است آن نقش لاویان و سپس سلسله کاهنان زادوکیت را دوباره برقرار کنید، باید مبنایی برای آن در کتاب مقدس وجود داشته باشد. من نمی‌دانم که آیا چیزی برای منع بازسازی معبد در حال حاضر وجود دارد یا خیر، زیرا فکر نمی‌کنم که شاهزاده را بتوان با مسیح برابر دانست. بنابراین، مسیح در نقش عملکردی که در آنجا شرح داده شده است، کجاست؟ شما گزارش‌های روایی در مورد برخی جنبش‌های تقریباً زیرزمینی در اسرائیل که برنامه‌هایی برای بازسازی معبد دارند، می‌خوانید، اما نمی‌دانم که بسیاری از این موارد چقدر محتوا دارند. اما اگر چنین افرادی وجود داشته باشند و بسیاری از این موارد را در این بخش از کتاب حزقیال مبنا قرار دهند، من را متعجب نخواهد کرد.

مسئله رودخانه

من فکر می‌کنم رودخانه مشکل بزرگی است که به معنای واقعی کلمه مطرح شده است، و می‌بینید که بین با آن چه می‌کند. او فصل‌های ۴۷ و ۴۸ را به دوره هزاره منتقل می‌کند و فصل‌های ۴۰ تا ۴۶ را که معبد و آیین‌ها، افسران و مأموران را در بر می‌گیرد، به عنوان فصل‌های پس از تبعید در نظر ۴۶ می‌گیرد. شاید بتوانید بخش رودخانه را در این رؤیا به جلو ببرید. اما از نظر من، این رؤیا مانند یک تصویر پیوسته به نظر می‌رسد. بنابراین، تشخیص آن دشوار است. آیا این درست است؟ این رؤیا در جهتی نمادین با امکان ترکیب دوره‌های تاریخ و کار آینده خدا پیش می‌رود. مطمئناً، فکر می‌کنم تفسیر این

رؤیا دشوار است.

من داستان‌هایی در مورد افرادی که سعی در ورود به دروازه شرقی دارند شنیده‌ام، اما در فصل ۴۴ به بسته بودن دروازه شرقی تا زمان آمدن شاهزاده اشاره شده است. امروزه در اورشلیم، دروازه ۴۴ در آنجا NIV شرقی که دروازه طلایی نامیده می‌شود، هنوز بسته است. یادداشت کتاب مقدس مطالعه می‌گوید که این دروازه در نتیجه یک سنت بعدی، اما احتمالاً دیر هنگام، مهر و موم شده است. نکته این است که، می‌دانید، می‌توانید این جمله را در اینجا در فصل ۴۴ بخوانید و فقط معادله‌ای بسازید که دروازه فعلی همان چیزی است که در اینجا توصیف می‌شود، اما به یاد داشته باشید که آن دیوار زمانی در قرون وسطی ساخته شده است و این یک معبد رویایی است. ممکن است که این دو واقعاً هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند. اگرچه، در مورد مهر و موم شدن دروازه شرقی، مطمئن نیستم که دقیقاً چه زمانی مهر و موم شده است و دلیل آن چه بوده است، اما ممکن است به نوعی به این متن اینجا مربوط باشد. فکر می‌کنم باید در مورد ارتباط آن با آنچه در اینجا گفته شده است، مراقب باشید. بدیهی است که این نقش با زمان حال متفاوت است.

خب، بحث این ترم ما در مورد پیامبران بزرگ به پایان رسید.

این سخنرانی پایانی درس سی‌ام از دوره آموزشی دکتر رابرت وانوی در مورد پیامبران بزرگ است.

رونویسی توسط پیج لاتورنس
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس